

مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی  
سال دوم، شماره دوم، (پیاپی ۶) پاییز ۱۳۹۱  
تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۶  
صص: ۲۱-۴۰

## تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای و سطح بندی نظام شهری در منطقه زاگرس

حجت شیخی<sup>۱\*</sup>، احمد شاه‌یوندی<sup>۲</sup>

۱- استادیار دانشگاه ایلام

۲- استادیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

### چکیده

کشور ایران نظیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکل تمرکز جمعیت و فعالیت در چند نقطه روبرو است. روند رو به رشد شهر نشینی در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا- شهری و همزمان با سیر تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی از مهم ترین عوامل ایجاد الگوی نظام نامتوازن شهری در ایران بوده که می‌توان ریشه آن را در نحوه توزیع منابع در سطح این مناطق جستجو کرد. منطقه زاگرس شامل استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان و همدان، با مسائلی همچون مهاجرت شدید روستا - شهری، پراکندگی سکونتگاهها و نارسایی توزیع تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، عدم یکپارچگی فضایی و عدم وجود سلسله مراتب سکونتگاهی منظم و کارآمد دست به گریبان است. در این مقاله جهت تحلیل چگونگی توزیع جمعیت در طبقات مختلف شهری از منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده شده است که نتایج از نامناسب بودن توزیع جمعیت در طبقات مختلف شهرها حکایت دارد. همچنین با بهره گیری از شاخص موریس به تعیین و تحلیل سطوح برخورداری شهرهای

منطقه در زمینه‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، بهداشتی - درمانی، زیربنایی و کالبدی پرداخته شده است که نتایج بیانگر تفاوت زیاد در سطوح برخورداری شهرهاست.

واژه‌های کلیدی: نظام شهری، توزیع فضایی، سطح برخورداری، توسعه منطقه‌ای، منطقه زاگرس.

### مقدمه بیان مسأله

شهرنشینی و گرایش شدید جمعیت به سکونت در مناطق شهری حاصل سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی و اجتماعی خاص هرکشور است. این سیاستها در کشورهای در حال توسعه و بویژه در دهه‌های اخیر، به مهاجرت‌های شدید روستا-شهری منجر گردیده و همگام با تحولات سریع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، الگویی نامتوازن در نظام شهری چنین کشورهایی را ایجاد نموده است. در ایران تحولات جمعیتی، اثرات شگرفی را بر ساختار اجتماعی - اقتصادی و کالبدی کشور بر جای گذاشته است. افزایش جمعیت و جا به جایی و مهاجرت آنها از نقاط محروم به نقاط برخوردار، باعث برهم خوردن تعادل‌های منطقه‌ای شده است (رهنما، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴). بازتاب طبیعی آن بروز مشکلاتی نظیر تسلط شهری، تمرکز فعالیت‌ها و خدمات، عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری و غیره است. یکی از بارزترین این مشکلات، توزیع نامناسب نظام شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در یک شبکه شهری بزرگ اتفاق می‌افتد (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۸). به تدریج با جهت‌گیری این نیروها و تمرکز آنها در محدوده‌های معین، پاره‌ای فضاها امتیازات ویژه‌ای یافته و از سایر پهنه‌های جمعیتی متمایز می‌شوند (تقوایی و دیگران،

۱۳۸۷: ۶۰). هم‌اکنون، تمرکز در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کالبدی و غیره در بین شهرها و استان‌های کشور به شدت وجود دارد و تفاوت‌های جدی در برخورداری از امکانات اقتصادی - اجتماعی نمایان است (حناچی، ۱۳۸۳: ۷۹). به طور کلی، در مطالعات شهری و منطقه‌ای بررسی تعداد و پراکنش کانون‌های شهری و چگونگی توزیع جمعیت در این سکونتگاهها از جایگاه خاصی برخوردار است. منطقه زاگرس در سال ۱۳۸۵، شامل ۱۱۹ شهر بود. و توزیع جمعیت در طبقات شهری بیانگر الگوی نامتوازن توسعه شهری است. شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر یا روستا-شهرها (۸۷ شهر) بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و فقط ۱۱/۵۶ درصد جمعیت مربوط به این طبقه از شهرهاست. این شهرها در نقاط مختلف منطقه پراکنده هستند که به دلیل قابلیت‌های محدود و ناچیز اقتصادی - خدماتی توان پرتوافشانی گسترده به پیرامون خود را ندارند و نمی‌توانند نقشی قوی به عنوان کانون‌های انتشار و توسعه ایفا نمایند. بنابراین، بررسی و شناخت نواحی شهری و تحلیل قابلیت‌ها و تنگناهای آنها در فرایند برنامه‌ریزی توسعه اهمیت بسزایی دارد و امروزه آگاهی از امکانات و تنگناهای شهری، نوعی ضرورت جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱). به همین منظور، مقاله حاضر در صدد آن است،

با بهره‌گیری از مدل‌های کمی و آمارهای جمعیتی و شاخص‌های توسعه، توسعه منطقه‌ای زاگرس را بررسی و تحلیل نماید و در نهایت راهبردهایی را در جهت رسیدن به توسعه متعادل منطقه‌ای ارائه نماید.

#### هدف پژوهش

شناخت وضعیت آرایش فضایی شهرها در نظام سلسله مراتب شهری منطقه و همچنین آگاهی از امکانات و تنگناهای شهری جهت ارائه راهکارهای متناسب با نیازها و شرایط خاص منطقه.

#### فرضیه تحقیق

توزیع نامناسب خدمات در سطح منطقه بر نظام توزیع جمعیت در کانون‌های شهری و نیز ساختار الگوی توسعه منطقه اثر گذاشته است.

#### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روشهای تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. جامعه آماری نقاط شهری منطقه زاگرس در سال ۱۳۸۵ (۱۱۹ شهر) است. که در ارتباط با یکدیگر مقایسه و بررسی می‌گردند. برای تهیه اطلاعات مورد نیاز از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و مرکز آمار ایران و نیز پژوهش‌های میدانی استفاده شده است که با مراجعه مستقیم به ادارات و سازمان‌های منطقه، آخرین آمار و اطلاعات گردآوری، و سپس با بهره‌گیری از نرم افزارهای SPSS، EXCEL و ARC MAP به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

#### متغیرها و شاخص‌ها

##### فرهنگی-اجتماعی

نسبت کتابخانه به ده هزار نفر، نسبت کتاب به ده هزار نفر، نسبت سینما به ده هزار نفر، نسبت صندلی سینما به ده هزار نفر، درصد باسوادی کل، درصد باسوادی مردان، درصد باسوادی زنان، درصد شهرنشینی از کل منطقه.

##### آموزشی

نسبت مدرسه ابتدایی به ده هزار نفر، نسبت مدرسه راهنمایی به ده هزار نفر، نسبت دبیرستان و هنرستان به ده هزار نفر.

##### بهداشتی-درمانی

نسبت بیمارستان به ده هزار نفر، نسبت تخت بیمارستان به ده هزار نفر، نسبت آزمایشگاه به ده هزار نفر، نسبت مراکز بهداشتی-درمانی به ده هزار نفر، نسبت داروخا به ده هزار نفر، نسبت پزشک عمومی به ده هزار نفر، نسبت پزشک متخصص به ده هزار نفر.

##### زیربنایی

درصد خانوارهای برخوردار از برق، درصد خانوارهای برخوردار از آب لوله‌کشی، درصد خانوارهای برخوردار از تلفن، درصد خانوارهای برخوردار از گاز لوله‌کشی.



### دیدگاه‌های توسعه منطقه‌ای

تا قبل از دهه ۱۹۷۰، نگرش به توسعه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، بر پایه برنامه ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود. از جمله این دیدگاهها، مدل‌های رشد هارود<sup>۱</sup> (۱۹۴۸)، دومار<sup>۲</sup> (۱۹۵۷)، روستو<sup>۳</sup> (۱۹۵۶)، رودان روزنشتاین<sup>۴</sup> (۱۹۴۳)، اسکیتووسکی<sup>۵</sup> (۱۹۵۴)، نورکس<sup>۶</sup> (۱۹۵۳) و هیرشمن<sup>۷</sup> (۱۹۵۸) را می‌توان برشمرده (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۴). مطرح‌ترین این دیدگاهها، تئوری اقتصادی، رشد نامتعادلی هیرشمن بود. وی با طرح استراتژی نامتعادل، اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد، به عنوان بخش پیشتاز و تمرکز سرمایه در آن را عامل اصلی توسعه منطقه‌ای می‌دانست. به عقیده وی، بخش صنعت به دلیل داشتن پیوند زیاد بین فعالیت‌های مختلف، با بخش‌های دیگر باید به عنوان بخش پیشتاز مورد توجه قرار گیرد (روزبهان، ۱۳۷۹: ۱۸۷-۱۸۵). هیرشمن نیروهای تمرکز را روی هم رفته قطبش نام نهاد که بر اساس آن توسعه در مرکز، سرانجام به رشد مناطق عقب مانده کمک کرده، توسعه آنها را به دنبال خواهد داشت (Richardman, 1977: 252).

نظریه راهبرد قطب رشد از جمله دیدگاههای دیگری برای توسعه منطقه‌ای بود. در این تئوری بر سرمایه گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری تأکید می‌شود (شکویی، ۱۳۷۳: ۳۱۲). جان

فریدمن این دیدگاه را سبب شکل‌گیری انباشتگی‌های شهری و تمرکز منطقه‌ای و پیامدهای آن را در قالب الگوی مرکز پیرامون مطرح می‌نماید وی رابطه بین مرکز- پیرامون را رابطه‌ای استعماری می‌داند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۶۴)؛ به گونه‌ای که در مرکز، منابع و فعالیت‌های پیش برنده اقتصادی رونق می‌گیرد، در حالی که پیرامون در فرایند توسعه، حاشیه‌ای و توسعه نیافته باقی می‌ماند و ظهور خصیصه قطبش شدید ناشی از رشد نامتعادل درون منطقه‌ای پدیدار می‌شود (عظیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). عدم موفقیت این استراتژی‌ها در ایجاد تعادل درون منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دستخوش دگرگونی گردند، به طوری که نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. ایده اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون<sup>۸</sup> (۱۹۷۰) و فائل<sup>۹</sup> (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید (فنی، ۱۳۸۲: ۱۶) تا اینکه راندینلی<sup>۱۰</sup> با طرح رهیافتی به نام « عملکردهای شهری در توسعه روستایی»<sup>۱۱</sup> ایجاد شهرهای کوچک در پیوندی عملکردی با حوزه روستایی را محور قرار داد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۳۱). از نظر وی دولت‌ها قادر هستند در رشد شهرهای کوچک تاثیر بگذارند و توزیع متعادل تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند. بنابراین، راندینلی معتقد به پرکردن خلأ سلسله مراتبی سکونتگاهها از بالا به پایین بوده، بر توزیع راهبردی سرمایه گذاری‌ها

1 - Roy Harrod

2 - Domar

3 - W. Rostow

4 - Rosentstain Rodan

5 - Eskitoveski

6 - Nurkus

7 - Hirschman

8 - Janeston

9 - Fael

10 - D. Rondinelli

11 - Urban Function and Rural Development

از طرف دولت تأکید دارد. رودل<sup>۱</sup> توسعه شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد. (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۵). میردال با تحلیل روند نابرابری‌های بین مناطق یک کشور و تعمیم آن به کل کشورها، به این نتیجه رسیده که وجود ناپیوستگی در ساختار اجتماعی و اقتصادی، دارای آثار بازدارنده است و برقراری ارتباط بین مناطق را آشکار می‌سازد و یک زنجیره علت و معلولی، توسعه نیافتگی فضایی را تشدید می‌کند. ولی یکپارچگی بین مناطق و بخش‌های اقتصادی، دارای «آثار انتشار» است و موجب می‌شود که فرایند توسعه در یک منطقه به مناطق دیگر سرایت کند (امکچی، ۱۳۶۴: ۶۳). ماریوگونج و میسرا، نابرابری‌های منطقه‌ای را به تفاوت‌های موجود در بهره‌وری و ترتیبات نهادی نسبت داده و موضوع را در یک مدل به نام نظام توسعه منطقه‌ای شرح داده‌اند. در دیدگاه آنان توسعه نظام به توسعه مناسبات بین ارکان آن بستگی دارد و ضعف مناسبات، پخش تحولات مثبت و پیشرفت‌ها را در اجزای نظام با مشکل روبرو می‌سازد. همچنین معتقدند که ساخت اجتماعی و توسعه منطقه‌ای ارتباط مستقیم دارند (ماریوگونج و میسرا، ۱۳۶۸: ۱۰۰-۹۵).

مایک داگلاس معتقد است، فواید متقابل و وابستگی‌ها و پیوندهای بین روستا و شهر نشان می‌دهد که لازم است دوره تقسیم شهر و روستا به سر

آید و پیرو آن چارچوبی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای پیشنهاد می‌کند که این پیوندها را با یکدیگر نشان می‌دهد (Douglass, 1998:3). وی الگوی شبکه منطقه‌ای را در پاسخ به نقاط ضعف دیدگاه‌هایی همچون "عملکردهای شهری در توسعه روستایی" و سایر نظریه‌هایی که با وجود توجه به روستاها، جانبداری شهری داشته‌اند، مطرح کرده است. او معتقد است نقش و عملکردهایی که یک شهر در پیرامون روستایی خود ایفا می‌کند، بر آمده از وابستگی متقابل است و یک جریان یکطرفه از شهر به روستا نیست. به همین دلیل باید روابط پیوندهای شهر و روستا به طور دو طرفه دیده شود. این روابط متقابل نشان می‌دهد که به ازای هر نقشی که شهر به عهده می‌گیرد، نیاز به یک نقش هست که باید در پیرامون آن ایفا شود. به همین دلیل در پارادایم جدید توسعه فضایی که داگلاس مطرح می‌نماید، تلاش می‌گردد که اول از همه بر دوگانگی بین شهر و روستا غلبه شود (همان: ۱۳). پیتز کوربین معتقد است، رشد اقتصادی و ساختار فضایی از رابطه معنا دار برخوردارند و ساختار فضایی قطبی شده، حاصل راهبردهای توسعه صنعتی بر مبنای منطق قطب رشد و مرکز رشد است. به اعتقاد وی برای کاهش عدم توازن‌های موجود در توزیع جمعیت کشورهای درحال توسعه و کاهش نسبت جمعیت شهرهای بزرگ، می‌توان به آثار القایی رشد بخش وابسته به روستا و کشاورزی اتکا نمود زیرا بین سکونتگاهها و یکپارچگی بخش‌های تولیدی رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. بر اساس نظریه او، ایجاد تحرک در بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی

مقدار ضریب جینی بین صفر و یک است؛ هر چه مقدار ضریب جینی به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده توزیع بهینه و متعادل در بین مناطق است. مقادیر بزرگتر نشان دهنده تمرکز و نابرابری بیشتر در مناطق است (سلیمی فر، ۱۳۸۱: ۹۰ و فرهودی و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

ضریب جینی از رابطه زیر به دست می‌آید (حکمت نیا و موسوی: ۲۶۲):

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2 \left[ \sum_{i=1}^n x_i y_{1+(n-1)y_2+\dots+y_n} \right]}{n^2 \times \bar{Y}}, y_1 < y_2 \dots < y_n$$

#### منحنی لورنز

همچنین یکی از روش‌های اندازه‌گیری سلسله مراتب شهری و چگونگی توزیع جمعیت در شهرهای یک منطقه استفاده از منحنی لورنز است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹۹). از این شاخص برای نمایش درجه تمرکز و مقایسه نحوه توزیع و درجه تشابه و همسانی چند متغیر، یک متغیر در چند مکان و تغییرات یک یا بیش از یک متغیر در طول زمان استفاده می‌شود.

#### شاخص موریس

ساختار کلی مدل به شرح ذیل است:

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - Y_{j \min}}{Y_{j \max} - X_{j \min}} \times 100$$

در این فرمول

$Y_{ij}$  = ضریب ناموزون موریس (شاخص ناموزون

برای متغیر  $i$  ام در واحد  $j$  ام)

$X_{ij}$  = نشان دهنده عدد مربوط به متغیر (شاخص)

است. (متغیر  $i$  ام در واحد  $j$  ام)

با متغیر مهاجرت در ارتباط مستقیم است (Corbin, 1982: 289-298). هریسون و تادز از یک دیدگاه آزمایشی به فرایند توسعه می‌نگرند و تأکید بسیار بر ضرورت توجه به ملاحظات فضایی در سیاستهای توسعه منطقه‌ای دارند. هدایت آگاهانه و آرایش بهینه کاربری‌های اراضی در فضای سرزمین، گره زدن فعالیت‌های اقتصادی با عامل مکان و فضا و ساختار فضایی، توجه به ضرورت دخالت دولت برای هدایت سرمایه گذاری‌ها در جهت تخصیص عقلایی منابع به منظور کاهش نابرابری‌های فضایی و دستیابی به یک توسعه منسجم و یکپارچه از اهم نکات موجود در نظریه آنان است (Harrison & todes, 2001: 65-85).

موضوع یکپارچگی عملکردی- فضایی به شکل دیگری در نظریه نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها و شبکه منطقه‌ای ارائه شده است. بدین ترتیب که حمایت از شهرهای میانی، در شرایطی که منافع توسعه در یک یا چند شهر اصلی متمرکز شده و شبکه شهری نامتعادل و از هم گسیخته است، موجب بهبود سازمان فضایی کشور و کمک به شرایط یکپارچگی می‌گردد و از این طریق، آثار توسعه بهتر می‌تواند در فضای ملی و بین مناطق منتشر شود. در دیدگاههای تبیین کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است.

#### مدل‌ها و روش‌ها

##### ضریب جینی

برای سنجش وضعیت توزیع جمعیت در نقاط شهری منطقه از ضریب جینی استفاده شده است.

$X_{jmax}$  = حداکثر مقادیر متغیرها در هر ستون

$X_{jmin}$  = حداقل مقادیر متغیرها در هر ستون

شاخص اصلی توسعه در این مدل عبارت است از:

$$D \cdot I = \frac{\sum Y_{ij}}{N}$$

$D \cdot I$  = ضریب نهایی توسعه

$\sum Y_{ij}$  = مجموع ضریب‌های ناموزون موريس در

سطر مورد نظر برای هر سکونتگاه مورد نظر

$N$  = انواع شاخص‌های به کار گرفته شده، است.

هرچه قدر عدد  $D \cdot I$  بزرگتر باشد، نشان دهنده این

است که سکونتگاه‌ها توسعه یافته‌تر و از امکانات

بیشتری برخوردار هستند (آسایش و استعلاجی،

۱۳۸۲: ۱۴۹-۱۴۸).

### تحولات فضایی نظام شهری ایران

در واقع رشد شتابان شهرنشینی در ایران از دهه

۱۳۳۰ آغاز گردید و تفکر اصلاحات ارضی از اواسط

دهه ۱۳۳۰ موجب فروپاشی روابط سنتی تولید در

روستا و افزایش شهرنشینی شد. در این دوره به دنبال

ملی شدن صنعت نفت ایران، توسعه شهرها، فراتر از

مازاد نیروی انسانی روستایی بود، با اتکاء به

درآمدهای حاصل از نفت باعث جذب جمعیت رانده

شده از نقاط روستایی به شهرها گردید و موجب

رشد و توسعه ناموزون شهرها شد (اعتماد، ۱۳۸۵: ۳).

روند رو به رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر همگام

با مهاجرت‌های شدید روستا - شهری همزمان با سیر

تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی از مهمترین

عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری در ایران

بوده و تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مهم

اقتصادی در چند قطب عمده باعث شکل‌گیری

آرایش فضایی ویژه‌ای گردیده است. طی دهه ۸۵-

۵۵ به تدریج اندازه کلان شهرها و قطب‌های عمده

بزرگتر و بر تعداد شهرهای کوچک افزوده شده و

میزان جمعیت‌پذیری شهرهای میانی و کوچک

کاهش یافته است. این خلاء سکونتگاهی در نظام

سلسله مراتب کشور باعث تعمیق روزافزون شکاف

در نظام شهری و گسیختگی شبکه شهری شده و

نقش شهرهای میانی و کوچک در ایجاد تعادل عملاً

" از بین رفته است (پورمحمدی و دیگران، همان:

۱۲۰). در این فرایند به طور منظم از تعداد و سهم

جمعیت شهری در طبقات شهری کمتر از ۲۵ هزار

نفر و ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر (روستا - شهر و شهرهای

کوچک) کاسته شده و در عوض بر سهم طبقات

شهری ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر و بالای یک

میلیون نفر (شهرهای بزرگ و کلان شهرها) افزوده

می‌شود. چنانکه دو طبقه شهری کمتر از ۵۰ هزار نفر

از سهم جمعیتی ۳۸/۶۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به

۱۹/۶۹ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است در

حالی‌که در همین دوره دو طبقه شهری بالای ۵۰۰

هزار نفر از ۲۵/۲ درصد به ۴۳/۱۱ درصد افزایش پیدا

کرده‌اند. با وجود افزایش تعداد شهرهای متوسط در

طی سالهای مورد بررسی، سهم جمعیتی آنها در کل با

افزایش (هرچند جزئی) روبرو بوده است.



جدول (۲): روند تغییرات تعداد شهر و جمعیت شهری ایران به تفکیک طبقات شهری (۱۳۸۵-۱۳۳۵)

1355		شهر		جمعیت		1345		شهر		جمعیت		1335		شهر		جمعیت		طبقات شهری (به هزار نفر)
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
17.82	2827790	75.86	283	20.22	۱۹۸۰۸۰۴	78.3	213	25.88	1552479	79.9	159	کمتر از ۲۵ هزار						
9.71	1539649	12.06	45	11.04	1081313	11.02	30	12.73	763716	11.06	22	25-50						
9.66	1531586	5.89	22	10.9	1067906	5.51	15	10.55	632953	4.52	9	50-100						
13.57	2153296	4.02	15	11.92	1167381	2.94	8	16.56	993756	3.02	6	100-250						
8.48	1344880	1.07	4	18.17	1779901	1.83	5	9.08	544704	1.01	2	250-500						
12.16	1927256	0.8	3	0	0	0	0	0	0	0	0	500-1000						
28.57	4530223	0.27	1	27.76	2719730	0.37	1	25.2	1512082	0.5	1	یک میلیون نفر و بیشتر						
100	15854680	100	373	100	9797035	100	272	100	5999690	100	199	جمع						
1385				1375				1365				طبقات شهری (به هزار نفر)						
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		جمعیت		شهر								
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد							
12.16	5871017	75	759	10.77	3968042	65.3	401	12.56	3390666	68.94	342	کمتر از ۲۵ هزار						
7.53	3636774	9.98	101	8.99	3309883	15.3	94	8.56	2300499	13.5	67	25-50						
10.44	5041966	7.21	73	11.57	4259820	9.77	60	12.36	3154943	9.27	46	50-100						
17.08	8246751	5.24	53	13.94	5133325	5.86	36	13.51	3756587	5.04	25	100-250						
9.67	4666968	1.28	13	12.97	4773718	2.28	14	8.32	2225771	1.61	8	250-500						
10.27	4956291	0.69	7	8.74	3216611	0.65	4	16.74	4490009	1.21	6	500-1000						
32.84	15852089	0.59	6	33.02	12156390	0.85	5	27.98	7506092	0.4	2	یک میلیون نفر و بیشتر						
100	48271856	100	1012	100	36817789	100	614	100	26824567	100	496	جمع						

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵-۱۳۸۵

درصد جمعیت مربوط به گروه شهرهای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر است، که این شهرها حدود ۷ درصد شهرها را در بر می‌گیرند در حالی ۴۳ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده‌اند. در طول دوره ۸۵-۳۵ سهم جمعیتی شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر، ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر و نیز ۵۰ تا ۱۰۰ نفر جمعیت روند نزولی داشته‌اند، چنانکه سهم جمعیتی این سه طبقه جمعیتی

### تحولات فضایی جمعیت در منطقه زاگرس به تفکیک طبقات شهری

بر اساس آخرین آمار ارائه شده از طرف مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۵ در منطقه زاگرس، ۱۱۹ شهر با جمعیت حدود ۴/۴ میلیون نفر وجود داشته که بخش عمده‌ای از این شهرها (۸۷ شهر) دارای جمعیت کمتر از ۲۵ هزار نفر بوده‌اند. با اینکه نقاط شهری کمتر از ۲۵ هزار نفر بیشترین تعداد را دارا بوده، بالاترین

از حدود ۷۶ درصد به ۳۹ درصد تنزل یافته است. جدول (۳) و نمودارهای (۱ و ۲). شهر کرمانشاه به عنوان متروپل منطقه‌ای با نقش‌های متعدد ملی و منطقه‌ای حدود ۱۸ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده و در رأس هرم سلسله مراتب مراکز شهری قرار گرفته است. پیدایش و توزیع فضایی شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر در منطقه نشان می‌دهد که شهرنشینی به نحو محسوسی در مرکز و شرق منطقه، متمرکز شده است. چنانکه در سال ۸۵، بیش از ۶۵ درصد جمعیت شهری منطقه را در خود جای داده است. و به طور کلی پهنه‌های نزدیک به مرزهای خارجی منطقه، فاقد شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفری است (نقشه ۲) (شیخی و دیگران ۱۳۸۸: ۳).

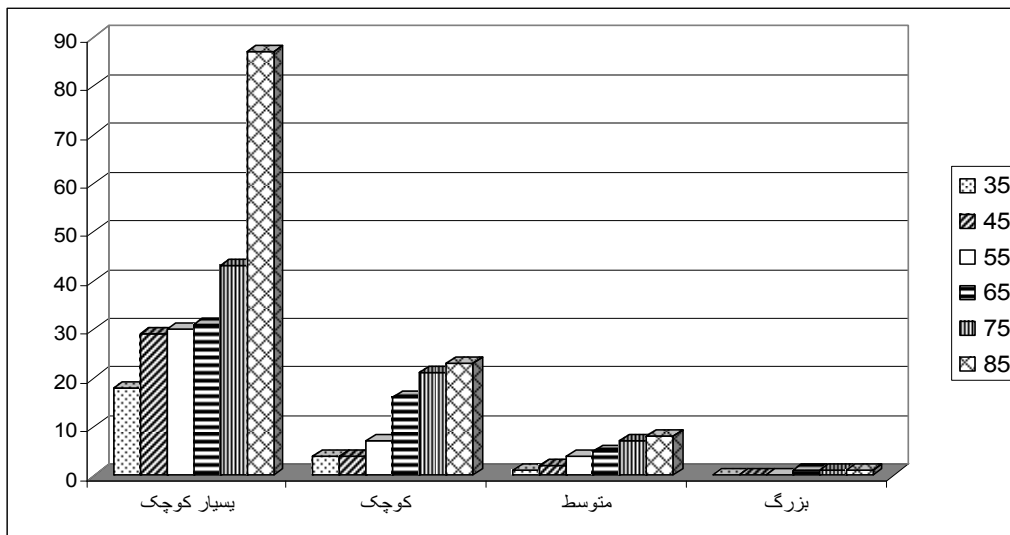
جدول شماره (۳): روند تغییرات تعداد شهر و جمعیت شهری منطقه زاگرس به تفکیک طبقات شهری از سال ۸۵-۱۳۳۵

1355				1345				1335				طبقات شهری (به هزار نفر)
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
26.29	343963	73.17	30	32.05	266858	82.87	29	33.39	183784	78.26	18	کمتر از ۲۵ هزار
15.24	198202	14.63	6	3.59	28424	2.86	1	23.90	128503	13.04	3	25-50
7.37	95872	2.44	1	23.41	185642	8.57	3	18.58	99909	4.35	1	50-100
28.61	372042	7.32	3	39.36	312097	5.72	2	23.33	125439	4.35	1	100-250
22.34	290600	2.44	1	0	0	0	0	0	0	0	0	250-500
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	بیشتر از ۵۰۰ هزار
100	1300679	100	41	100	793031	100	35	100	537635	100	23	جمع
1385				1375				1365				طبقات شهری (به هزار نفر)
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
11.54	512374	73.09	87	10.73	400625	59.70	43	12.02	314282	58.48	31	کمتر از ۲۵ هزار
11.14	493729	10.92	13	11.16	415527	15.27	11	13.26	248675	18.86	10	25-50
16.22	718902	8.40	10	17.70	659381	13.88	10	15.80	412273	11.32	6	50-100
17.61	780735	4.2	5	16.18	602917	5.54	4	26.85	700648	7.54	4	100-250
25.51	1130447	2.52	3	25.56	951904	4.16	3	10.44	272499	1.88	1	250-500
17.93	794863	0.01	1	18.61	692986	1.38	1	21.48	560514	1.88	1	بیشتر از ۵۰۰ هزار
100	4431050	100	119	100	3723340	100	72	100	2608991	100	53	جمع

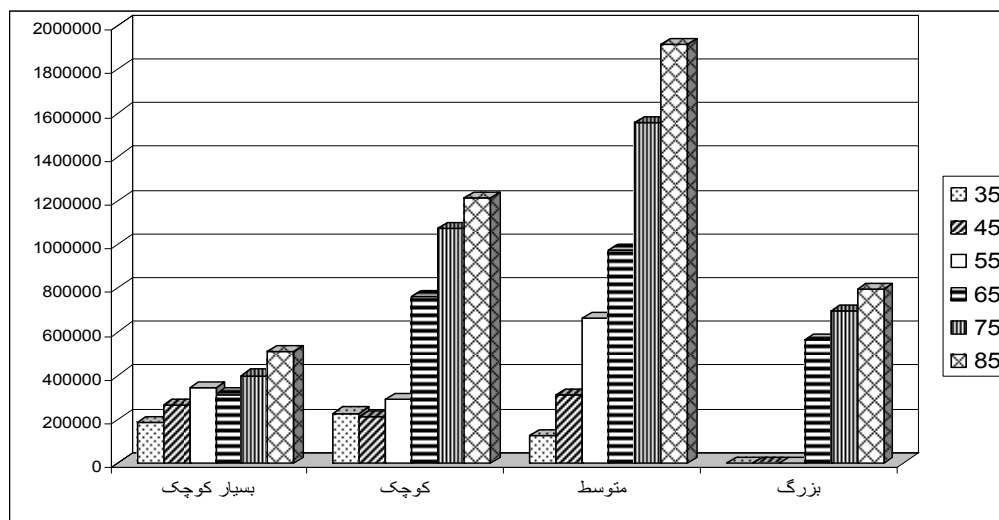
منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵-۱۳۳۵



نقشه ۲: توزیع فضایی شهرهای منطقه زاگرس در سال ۱۳۸۵



نمودار (۱): تعداد شهرها به تفکیک طبقات شهری در منطقه زاگرس از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵



نمودار (۲): تعداد جمعیت به تفکیک طبقات شهری در منطقه زاگرس از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

#### یافته‌ها تحقیق

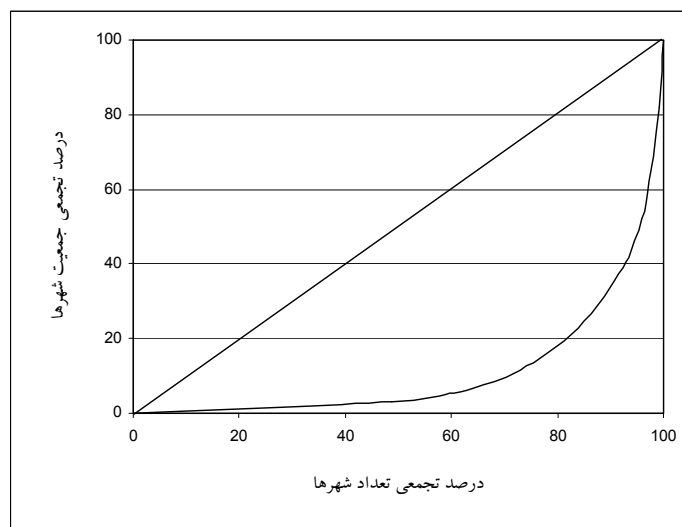
بر اساس داده‌های جدول (۴) میزان ضریب جینی در سال ۱۳۸۵ دارای بیشترین مقدار بوده و در سال ۱۳۳۵ کمترین مقدار را داشته است؛ به عبارت دیگر در سال ۱۳۸۵ وضعیت توزیع جمعیت در طبقات شهری در منطقه زاگرس در مقایسه با سال‌های دیگر بدترین وضعیت را داشته است و در سال ۱۳۳۵ بهترین حالت توزیع جمعیت در طبقات شهری برقرار بوده است. در مجموع مقدار ضریب

جینی با گذشت زمان به سمت یک گرایش دارد و این به مفهوم نابرابری نسبی توزیع جمعیت در طبقات مختلف شهری در منطقه زاگرس می‌باشد. منحنی لورنز توزیع جمعیت شهری در سال ۱۳۸۵ نسبت به خط نرمال به میزان ۰/۲۵۱ انحراف دارد که با توجه به این اختلاف میزان ضریب جینی این توزیع معادل ۰/۷۴۹ است که وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهد.

جدول (۴): محاسبه ضریب جینی برای منطقه زاگرس از ۱۳۳۵-۱۳۸۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
ضریب جینی	۰/۵۰۱	۰/۵۲۸	۰/۵۶۷	۰/۶۴۶	۰/۶۷۹	۰/۷۴۹

منبع: محاسبات نگارندگان



نمودار (۳): توزیع جمعیت شهری و طبقات شهری منطقه زاگرس با استفاده از منحنی لورنز در سال ۱۳۸۵

### شهرنشینی در منطقه زاگرس

پس از انقلاب پدیده رشد نامتناسب جمعیت شهرها و عدم رویارویی قاطع با عوامل برهم زننده تعادل در افزایش منطقی و موزون جمعیت شهری و روستایی در کشور علت رشد بی رویه شهرها بوده است (رزاقی، ۱۳۷۸: ۴۴). زنجانی مسائل مربوط به تعریف شهر و روستا، احداث شهرها و آبادی‌ها، ادغام آبادی‌ها در شهرها و... را نیز در افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی مؤثر می‌داند (زنجانی، ۱۳۷۸: ۷۷-۵۵).

طی سال‌های گذشته جمعیت شهری و روستایی منطقه زاگرس دچار تغییرات زیادی شده است. در طول ۵۰ سال (۳۵-۸۵) جمعیت شهری از ۵۳۷۶۳۵ به ۴۴۳۱۰۵۰ نفر رسیده و با رشدی معادل ۴/۳ درصد در سال حدود ۳۸۹۳۴۱۵ نفر افزایش یافته است. در این مدت جمعیت شهری منطقه ۸/۲ برابر شده است. بیشترین افزایش جمعیت شهری در دهه ۶۵-۵۵ اتفاق افتاده؛ که با رشد معادل ۷/۳ درصد، جمعیت

شهری ۲/۰۱ برابر شده است. افزایش نسبت شهرنشینی در طول این دهه معلول جنگ ایران و عراق است که استان‌های کرمانشاه و ایلام بویژه مراکز آنها را به صورت مقصد پذیرش مهاجرین از نوار مرزی درآورد.

در سال ۱۳۷۵ در چهار استان منطقه یعنی کرمانشاه، لرستان، ایلام و کردستان به ترتیب ۶۱/۸، ۵۳/۷، ۵۳/۲ و ۵۲/۴ درصد جمعیت و یا به عبارتی بیش از نیمی از جمعیت در شهرها زندگی می‌کردند. در این سال نسبت سطح شهرنشینی منطقه نیز برای اولین بار از سطح ۵۰ درصد فراتر رفت و به ۵۴ درصد رسید. در سال ۱۳۸۵ سطح شهرنشینی منطقه برابر با ۶۱ درصد بود که در مقابل حدود ۶۸/۴ درصد کل کشور پایین است. در میان استانهای منطقه تنها استان کرمانشاه با ۶۶/۷ درصد به سطح شهرنشینی کل کشور نزدیک بود. دیگر استانهای منطقه دارای نسبت سطح شهرنشینی تقریباً یکسانی بودند.

جدول (۵): روند تغییرات درصد جمعیت شهری و روستایی منطقه زاگرس (۸۵-۱۳۴۵)

1385		1375		1365		1355		1345		محدوده
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
33.21	66.79	38.25	61.75	43.83	56.17	56.92	43.08	65.68	34.32	کرمانشاه
41.57	59.43	47.58	52.42	60.29	39.71	75.62	24.38	83.48	16.52	کردستان
42.42	57.58	51.69	48.31	62.59	37.41	70.2	29.8	73.92	26.08	همدان
40.57	59.43	46.35	53.65	53.25	46.75	67.47	32.53	78.48	21.52	لرستان
39.31	60.69	46.77	53.23	59	41	80.24	19.76	90.94	9.06	ایلام
39.01	60.99	45.83	54.17	54.99	45.01	67.88	32.12	75.91	24.09	منطقه زاگرس
31.54	68.46	38.69	61.31	45.71	54.29	52.97	47.03	62.02	37.98	کشور

منبع: محاسبات نگارندگان براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۸۵-۱۳۴۵

#### روند تغییرات رشد شهری منطقه زاگرس

الگوی کلی آهنگ نرخ رشد شهری در منطقه عیناً مشابه الگویی است که بر کل کشور حاکم بوده است با این تفاوت که منطقه زاگرس به رغم پایین تر بودن سطح شهرنشینی خود نسبت به کل کشور در طول دوره آماری ۸۵-۱۳۳۵ عموماً از نرخ رشد بالاتری برخوردار بوده است. میانگین نرخ رشد سالانه شهرنشینی در منطقه زاگرس در طول ۵۰ سال ۴/۳۱ درصد و برای کل کشور ۴/۲۷ درصد بوده است. در این دوره تنها در سالهای ۴۵-۱۳۳۵ نرخ رشد شهرنشینی کل کشور از منطقه بیشتر بوده است (جدول ۶). بالاترین نرخ رشد شهرنشینی منطقه متعلق به استان ایلام است که میانگین سالانه آن در ۵۰ سال اخیر حدود ۷/۶ درصد بوده است. این مقدار در دوره ۶۵-۱۳۵۵ به دلیل تحولات جنگ ایران و عراق و مهاجرپذیری شدید شهرهای این استان به بالاترین حد خود رسید و میانگین آن طی دوره فوق برای استان به ۱۲/۴ درصد در سال افزایش یافت. پایین ترین نرخ رشد سالانه شهرنشینی در منطقه طی دوره ۸۵-۱۳۳۵ متعلق به استان همدان است که ۳/۵ است.

آهنگ تغییرات نرخ رشد جمعیت شهری منطقه تقریباً به طور کامل از الگوی آن در کل کشور پیروی کرده است. چنانکه در طی دوره ۶۵-۱۳۳۵ بدون استثنا هم منطقه و هم کل کشور با افزایش مداوم نرخ رشد جمعیت شهری روبرو هستند در حالی که در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ آهنگ نرخ رشد جمعیت شهری در همه استان‌های منطقه و کل کشور کاهش می‌یابد. در واقع این تغییرات یکی از نکات جالب شهرنشینی در منطقه است. بدین معنی که کاهش نرخ رشد شهرنشینی در منطقه هنگامی که سطح شهرنشینی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد قرار داشته شروع می‌گردد و این در حالی است که عموماً در این سطح از شهرنشینی به دلیل ظرفیت‌های خالی ش=چهرنشینی، نرخ رشد بسیار بالاست. بی تردید یکی از عوامل اصلی کاهش نرخ رشد شهرنشینی در سطح منطقه از ۷/۳ درصد در دوره‌های ۶۵-۱۳۵۵ به پایین ترین حد خود در ۵۰ سال اخیر؛ یعنی به ۱/۷۸ درصد در دوره ۸۵-۱۳۷۵ کاهش شدید نرخ رشد طبیعی جمعیت در شهر و روستا بوده است.

جدول (۶): روند تغییرات نرخ رشد شهری منطقه زاگرس (۸۵-۱۳۳۵)

استان	35 - 45	45 - 55	55 - 65	65 - 75	75 - 85	35 - 85
کرمانشاه	4.53	4.76	6.4	2.94	1.35	3.98
کردستان	5.07	6.4	8.44	5.12	1.95	5.37
همدان	2.58	3.49	5.65	3.71	1.92	3.46
لرستان	4.21	5.93	8.05	2.89	1.84	4.56
ایلام	9.24	9.18	12.42	5.18	2.46	7.64
منطقه زاگرس	4.01	5.02	7.3	3.62	1.78	4.31
کشور	5.1	4.93	5.41	3.21	2.74	4.27

منبع: محاسبات نگارندگان براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۸۵-۱۳۳۵

### سطح بندی مناطق شهری بر اساس شاخص‌های توسعه

برای شناخت تفاوت سطح توسعه نواحی لازم است ابتدا وضعیت موجود هر ناحیه بررسی شود تا بتوان در مرحله بعدی علل تفاوتها را باز شناخت و در جهت کاهش یا از میان بردن آنها اقدام به برنامه ریزی ناحیه‌ای کرد (کریم زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۱۵). در واقع شناخت توان‌ها و امکانات موجود در هر منطقه، به برنامه ریزان این امکان را می‌دهد تا بر اساس نیازها و شرایط خاص منطقه، جهت و راهکارهای توسعه منطقه را مشخص نمایند و برنامه‌ای هماهنگ و متناسب با شرایط منطقه ارائه دهند. از طرفی یکی از مهمترین اهداف برنامه ریزی فضایی، با توجه به محدودیت منابع، توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاههای مختلف می‌باشد. برای تحقق این امر نیاز به شناسایی سکونتگاههای مختلف از نظر میزان برخورداری آنها از امکانات و خدمات گوناگون است؛ تا از این طریق نقاط محروم و توسعه یافته مشخص شده و برنامه ریزان بتوانند برای تعادل فضایی و کاهش فاصله بهره مندی بین مناطق اقدام

کنند (تقوایی و نوروزی، ۱۳۸۶: ۱). در این مرحله با بهره گیری از شاخص موريس به تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق شهری منطقه زاگرس پرداخته شده است (جدول (۷)). نتایج نشان دهنده تفاوت زیاد در سطوح برخورداری شهرهاست. به طوریکه با توجه به ضریب کلی، برخورداری شهر (کرمانشاه) نسبت به محروم ترین شهر (نوسود) حدود ۸۵ برابر است. بر اساس نتایج از مجموع ۱۱۹ شهر منطقه، ۲ شهر (۱/۶۸ درصد) برخوردار، ۵ شهر (۴/۲۲ درصد) بهره مند از حد متوسط و ۱۱۲ شهر (۹۴/۱ درصد) در وضعیت محروم از نظر بهره مندی از امکانات یا شاخص‌های مورد مطالعه قرار دارند که اغلب شهرها، در واقع روستاهای بزرگی بوده‌اند که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بویژه بعد از انقلاب به شهر تبدیل شده‌اند و نه تنها از لحاظ عملکرد اقتصادی - خدماتی بلکه از نظر سیمای کالبدی بیشتر به روستا- شهر شباهت دارند تا یک شهر. بنابراین با نگاهی بر تعداد و میزان درصد برخورداری کانون‌های شهری از امکانات، ضرورت توجه هر چه بیشتر به مسأله مدیریت توزیع خدمات و اختصاص بهینه آنها اهمیت می‌یابد.

جدول (۷): ضریب و رتبه برخورداري شهرهای منطقه زاگرس

میزان برخورداري	رتبه	ضریب برخورداري	شهر	میزان برخورداري	رتبه	ضریب برخورداري	شهر
مجموع	۳۱	۰.۰۷	هلشي	برخوردار	۱	۰.۸۵	کرمانشاه
	۳۲	۰.۰۷	موسيان		۲	۰.۶۷	همدان
	۳۳	۰.۰۷	فیروز آباد		۳	۰.۵۰	سنندج
	۳۴	۰.۰۷	بهار	بهره بردار	۴	۰.۴۶	خرم آباد
	۳۵	۰.۰۷	ارکواز		۵	۰.۳۲	بروجرد
	۳۶	۰.۰۷	سرپل ذهاب		۶	۰.۲۸	ایلام
	۳۷	۰.۰۷	دره شهر		۷	۰.۲۵	ملایر
	۳۸	۰.۰۷	مهران		۸	۰.۱۸	سقز
	۳۹	۰.۰۷	صحنه		۹	۰.۱۶	دورود
	۴۰	۰.۰۷	کنگاور		۱۰	۰.۱۴	کوهدشت
	۴۱	۰.۰۷	کامیاران	مجموع	۱۱	۰.۱۴	بانه
	۴۲	۰.۰۷	تویسرکان		۱۲	۰.۱۴	اسلام آباد
	۴۳	۰.۰۶	سومار		۱۳	۰.۱۲	الیگودرز
	۴۴	۰.۰۶	درب گنبد		۱۴	۰.۱۲	نهایند
	۴۵	۰.۰۶	گراب		۱۵	۰.۱۱	نورآباد
	۴۶	۰.۰۶	محمودوند		۱۶	۰.۱۱	بیجار
	۴۷	۰.۰۶	معمولان		۱۷	۰.۱۱	مریوان
	۴۸	۰.۰۶	گل تپه		۱۸	۰.۱۰	گیان
	۴۹	۰.۰۶	کوند غرب		۱۹	۰.۱۰	هرسین
	۵۰	۰.۰۶	گهواره		۲۰	۰.۱۰	قروه
	۵۱	۰.۰۶	چقایل		۲۱	۰.۰۹	چغلوئندی
	۵۲	۰.۰۶	زاغه		۲۲	۰.۰۹	دیواندره
	۵۳	۰.۰۶	گیلانغرب		۲۳	۰.۰۹	دهلران
	۵۴	۰.۰۶	پلدختر		۲۴	۰.۰۹	اسدآباد
	۵۵	۰.۰۶	جوانرود		۲۵	۰.۰۸	کونانی
	۵۶	۰.۰۶	کبودرآهنگ		۲۶	۰.۰۸	سراب دوره
	۵۷	۰.۰۶	ازنا		۲۷	۰.۰۸	جورقان
	۵۸	۰.۰۶	سنقر		۲۸	۰.۰۸	الشتر
	۵۹	۰.۰۶	سرابله		۲۹	۰.۰۸	ایوان
	۶۰	۰.۰۵	آرمده		۳۰	۰.۰۸	آبدانان



میزان برخورداری	رتبه	ضریب برخورداری	شهر	میزان برخورداری	رتبه	ضریب برخورداری	شهر
شهر	۹۱	۰.۰۳	آسمان آباد	شهر	۶۱	۰.۰۵	چناره
	۹۲	۰.۰۳	بدره		۶۲	۰.۰۵	حمیل
	۹۳	۰.۰۳	زرنه		۶۳	۰.۰۵	پهله
	۹۴	۰.۰۳	لومار		۶۴	۰.۰۵	چوار
	۹۵	۰.۰۳	بابا رشانی		۶۵	۰.۰۵	صالح آباد
	۹۶	۰.۰۳	دزج		۶۶	۰.۰۵	مورموری
	۹۷	۰.۰۳	صاحب		۶۷	۰.۰۵	میمه
	۹۸	۰.۰۳	کانی سور		۶۸	۰.۰۵	رباط
	۹۹	۰.۰۳	موچش		۶۹	۰.۰۵	قهاوند
	۱۰۰	۰.۰۳	تازه آباد		۷۰	۰.۰۵	دهگلان
	۱۰۱	۰.۰۳	سرمست		۷۱	۰.۰۵	روانسر
	۱۰۲	۰.۰۳	اشترینان		۷۲	۰.۰۵	لالجین
	۱۰۳	۰.۰۳	جوکار		۷۳	۰.۰۵	قصر شیرین
	۱۰۴	۰.۰۳	شیرین سو		۷۴	۰.۰۵	رزن
	۱۰۵	۰.۰۳	ياسوکنده		۷۵	۰.۰۴	چالانچولان
	۱۰۶	۰.۰۳	بیستون		۷۶	۰.۰۴	بویین سفلی
	۱۰۷	۰.۰۳	قروه درجزین		۷۷	۰.۰۴	زربنه
	۱۰۸	۰.۰۲	توحید		۷۸	۰.۰۴	سریش آباد
	۱۰۹	۰.۰۲	شویشه		۷۹	۰.۰۴	سطر
	۱۱۰	۰.۰۲	ازگله		۸۰	۰.۰۴	کوزران
۱۱۱	۰.۰۲	مومن آباد	۸۱	۰.۰۴	ازندریان		
۱۱۲	۰.۰۲	برزول	۸۲	۰.۰۴	دمق		
۱۱۳	۰.۰۲	سامن	۸۳	۰.۰۴	صالح آباد		
۱۱۴	۰.۰۲	سرکان	۸۴	۰.۰۴	فیروزان		
۱۱۵	۰.۰۲	فرسفج	۸۵	۰.۰۴	مریانج		
۱۱۶	۰.۰۲	پاینگان	۸۶	۰.۰۴	سپید دشت		
۱۱۷	۰.۰۱	میان راهان	۸۷	۰.۰۴	فامنین		
۱۱۸	۰.۰۱	نودشه	۸۸	۰.۰۴	دلبران		
۱۱۹	۰.۰۱	نوسود	۸۹	۰.۰۴	سرو آباد		
۱۲۰			۹۰	۰.۰۴	پاوه		

منبع: محاسبات نگارندگان

## نتیجه گیری

منطقه زاگرس شامل استان‌های یلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان و همدان، به عنوان یک منطقه همگن اقتصادی - اجتماعی و جغرافیایی شناخته شده و بر اساس نتایج این مطالعه، از شبکه متعادل نظام شهری و سلسله مراتبی سکونتگاهها برخوردار نیست. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، در این منطقه ۱۱۹ شهر جمعیتی معادل ۴/۴ میلیون نفر ساکن هستند، که بخش عمده‌ای از آن در تنها کلان شهر منطقه (کرمانشاه) و ۸ شهر ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری سکونت دارند. به عبارت دیگر، ۹ شهر (۷/۵۶ درصد تعداد شهرها) حدود ۶۰/۷ درصد جمعیت شهری منطقه را در خود جای داده اند و ۱۱۰ شهر (۹۲/۴۴ درصد تعداد شهرها)، ۳۹/۳ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده اند. این امر باعث تمرکز فعالیت‌ها و خدمات در این شهرها و تمایل به مهاجرت ساکنان سایر شهرها به این مراکز شده، که نتیجه آن عدم توازن و تعادل در نظام سلسله مراتبی شهرهاست.

در این مقاله برای تحلیل چگونگی توزیع جمعیت میان طبقات مختلف سکونتگاههای شهری در سال ۱۳۸۵، از مدل‌های منحنی لورنز و ضریب جینی و با بهره گیری از شاخص موریس به تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق شهری منطقه زاگرس در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، بهداشتی - درمانی، زیر بنایی و کالبدی پرداخته شده است و به نتایج ذیل رسیده است:

- منحنی لورنز توزیع جمعیت شهری در سال ۱۳۸۵ نسبت به خط نرمال به میزان ۰/۲۵۱ انحراف

دارد که با توجه به این اختلاف میزان ضریب جینی این توزیع معادل ۰/۷۴۹ است که وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهد که حاکی از نامناسب بودن توزیع جمعیت، بین طبقات جمعیتی شهرهاست.

- نتایج شاخص موریس نشان دهنده تفاوت زیاد در سطح برخورداری شهرهاست. چنانکه از ۱۱۹ شهر منطقه، ۲ شهر (۱/۶۸ درصد) برخوردار، ۵ شهر (۴/۲۲ درصد)، بهره مند از حد متوسط و ۱۱۲ شهر (۹۴/۱ درصد) در وضعیت محروم از نظر بهره مندی از امکانات موجود قرار دارند.

## پیشنهادها

جهت دستیابی به توسعه مطلوب در سطح منطقه‌ای باید نیازها و مشکلات کانون‌های مختلف شهری را شناخته و برای دستیابی به روند مطلوب آن تلاش کرد. به همین منظور پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد انسجام و هماهنگی در نظام مدیریت شهری و محلی با نگرش و تفکر سیستمی به منظور نظارت و هدایت فرایند توسعه شهرها.

- ایجاد تعادل نسبی در توزیع تأسیسات و تسهیلات شهری و تناسب امکانات در شهرهای مختلف منطقه.

- اعمال سیاستهای جدی برای جلوگیری از مهاجرت روستا - شهری و مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ.

## منابع

- آسایش، حسین و علیرضا استعلاجی (۱۳۸۲)، اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- اعتماد، گیتی و دیگران (۱۳۸۵)، شهرنشینی در ایران، نشر آگاه.
- تقوایی، مسعود و اصغر نوروزی (۱۳۸۶)، تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی در سطح بندی دهستان‌های استان چهارمهل و بختیاری، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۴.
- تقوایی، مسعود و دیگران (۱۳۸۷)، تحلیل جایگاه و نقش شهر میانی همدان در توسعه منطقه‌ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، مشهد، شماره ۱۱.
- توفیق، فیروز (۱۳۷۱)، طرح ریزی کالبدی در ایران و محورهای اصلی آن، مجموعه مقالات طرح ریزی کالبدی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری در ایران.
- پورمحمدی، محمد رضا و دیگران (۱۳۸۸)، تحلیل ویژگی‌های نظام شهری منطقه آذربایجان با تأکید بر تأثیرات تمرکز اقتصادی کلان شهر تبریز، مجله جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۲۹.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، برنامه ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
- حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول، انتشارات علم نوین.
- حناچی، سیمین (۱۳۸۳)، بررسی نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران، فصلنامه آبادی، سال چهارم، شماره ۴۲.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۸)، آشنایی با اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۲)، تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۹)، مبانی توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات تابان.
- رهنما، محمدرحیم و دیگران (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی حاشیه نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱.
- زنجان، حبیب اله (۱۳۸۲)، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران.
- زنجان، حبیب اله (۱۳۷۸)، روستا، جمعیت و توسعه، فصلنامه روستا و توسعه، سال سوم، شماره ۳ و ۴، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۱)، مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و منطقه‌ای در ایران طی دوره ۷۵ - ۱۳۵۵، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۶۱.
- سایت مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، گزارش‌های اولیه سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳)، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، تهران، انتشارات سمت.

- شیخی، حجت و دیگران(۱۳۸۸)، تحلیلی بر نقش شهرهای میانی در توسعه فضایی کلان منطقه زاگرس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۴.
- صراف، مظفر(۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- ضرابی، اصغر و میرنجف موسوی(۱۳۸۸)، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان یزد، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، اصفهان، شماره ۲.
- عظیمی، ناصر(۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، تهران، نشر نیکا.
- فنی، زهره(۱۳۸۲)، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات شهرداری‌های کشور.
- فرهودی، رحمت اله و اکبر محمدی(۱۳۸۵)، تحلیل و پیش بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از مدل تغییر سهم، ضریب مکانی و ضریب جینی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر(۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران، انتشارات شهرداری‌ها.
- مابوگونج و میسرا(۱۳۶۸): توسعه منطقه‌ای، ترجمه عباس مخبر، سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران(۱۳۸۶)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام، ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمانشاه، ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان، ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان لرستان، ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان همدان، ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری(۱۳۸۰)، طرح کالبدی منطقه زاگرس(گزارش تلفیق، جلد ۱ و ۲ و ۳)، وزارت مسکن و شهرسازی.
- وزارت کشور(۱۳۸۵)، تقسیمات سیاسی ایران.
- Douglass,M(1998):A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban linkages,TWPR..
- Corbin P. B(1982): The Effects of Alternative Development Strategies on Settlement Size Distribution, in: Mathur(1982) small cities.
- Harrison,Ph.and Todes(2001):The Use of Spatial Framework in Rrgional Development in south Africa,Regional Studies,Vol.35.
- Richard, H. W(1977), Strategies, in Developing countries, world bank staff working paper city size and national spatial